



کالاهای مصرفی تبدیل کرد. در سال مورد بررسی ایالات متحده آمریکا از نظر ارزش خرده‌فروشی بزرگ‌ترین بازار مصرف جواهرات محسوب می‌شد در حالی که از نظر حجم طلای مورد استفاده در خانوارها کشور هند پیش‌تاز بود. در سال ۲۰۰۶ میلادی، هند به‌تنهایی ۲۲ درصد از کل جواهرات دنیا را تقاضا کرد. تقاضای بالای جواهرات در هند ریشه مذهبی و فرهنگی دارد و وضعیت اقتصاد جهانی یا حتی اقتصاد کشور هند تاثیر چشمگیری در این مساله ندارد. البته ثبات نسبی قیمت طلا یا رشد تدریجی قیمت آن سبب رشد تقاضای جواهرات در تمام نقاط جهان از جمله هند خواهد شد. بسیاری از مردم جهان از بازار طلا برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند. رشد قیمت طلای سال‌های مختلف سبب شد تا خیل بزرگتری از مردم وارد این عرصه شوند. استقبال از بازار طلا به عنوان سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر نیز بیشتر شده است؛ زیرا از سال ۲۰۰۳ میلادی تا انتهای سال ۲۰۰۶ میلادی ارزش طلا سالانه ۴۵ درصد رشد کرد و نرخ رشد ارزش آن طی پنج سال گذشته بیش از ۳۰۰ درصد بود. همین امر سبب شد تا هر روز بر شمار متقاضیان سرمایه‌گذاری در این بازار افزوده شود.

خلاصه اینکه نوسانات یک سال گذشته قیمت جهانی طلا بیشتر از افزایش شدید قیمت جهانی نفت در سال ۲۰۰۷ و بحران اقتصادی در غرب ناشی شده است. رونق اقتصادی زیاد چین، هند و دیگر اقتصادهای نوظهور طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷؛ قیمت جهانی نفت رادر سال ۲۰۰۷ به سقف بی سابقه ۱۵۰ دلار در هر بشکه بالا برد. این تحول باعث شد تعدادی از معادن و کارخانه‌های تولید طلادر آفریقای جنوبی تعطیل شوند. از سوی دیگر از اوایل سال جاری میلادی، اخلال در بازار رهنی مسکن در آمریکا، بانک‌ها و سپس مؤسسات بیمه و در نهایت شرکت‌های تولیدی را در آمریکا و سپس ژاپن و اروپا به رکود عمیق و کم سابقه‌ای فرو برد و نرخ سهام آنها را به شدت تنزل داد. این دو عامل باعث شد تولید طلا کاهش یابد و سرمایه‌های بورس بازان در آمریکا و اروپا به بازار طلا سرازیر شوند. جهش شدید قیمت جهانی طلا در مارس ۲۰۰۸ (اواخر اسفند گذشته) به رقم کم سابقه هر اونس ۱۰۰۵ دلار نتیجه این تحول بود.



# حرکت تناوبی بازار جهانی طلا

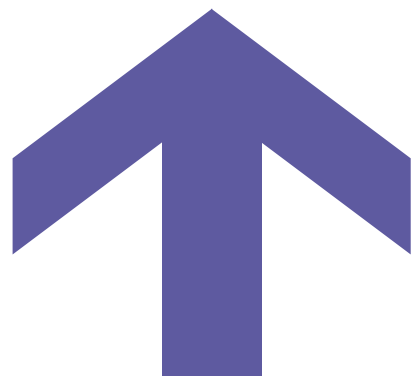
محمد امین هانفی

در طول سال‌هایی که گذشت تقاضای برای طلا در تمام جهان گسترش یافته اما کشورهای آسیایی سهم بیشتری از این بازار را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۲۰۰۵ میلادی کشورهای آسیای شرقی (کشور هند و چند کشور اطراف آن) به علاوه کشورهای خاورمیانه ۷۰ درصد از تقاضای طلای جهان را به خود اختصاص دادند. در همان سال پنج کشور هند، ایتالیا، ترکیه، آمریکا و چین هر یک با دلایل اقتصادی-اجتماعی خاص خود و به دلیل فاکتورهای فرهنگی خاص بیشترین تقاضای طلا را داشتند. آمارها نشان می‌دهند در سال مذکور ۵۳ درصد از کل تقاضای طلای جهان در تصاحب این پنج کشور بوده است.

به طور کلی تقاضای برای طلا در جهان در سه بخش خلاصه می‌شود: اول تقاضای طلا برای ساخت جواهرات، دوم تقاضای طلا به منظور سرمایه‌گذاری و سوم تقاضای برای مصارف صنعتی.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ میلادی، ۶۹ درصد از تقاضای جهانی طلا برای ساخت جواهرات بود. به عبارت دقیق‌تر در این سال‌ها به طور متوسط ۲ هزار و ۵۴۸ تن طلا برای تولید جواهرات در هر سال استفاده شد. در همین بازه زمانی سهم تقاضای طلا برای سرمایه‌گذاری به طور متوسط ۷۰۳ تن یا ۱۹ درصد از کل تقاضای جهانی بود. در این بازه زمانی پنج ساله به طور متوسط ۴۴۱ تن طلا در هر سال برای مصارف صنعتی استفاده شد که ۱۲ درصد از کل تقاضای طلای جهان بود. جواهرات اصلی‌ترین سهم از تقاضای طلا را به خود اختصاص داده‌اند. در سال‌های اخیر این بخش سه‌چهارم از کل تقاضای طلای جهان را داشت.

طبق آمار موجود از دسامبر سال ۲۰۰۵ میلادی تا دسامبر سال ۲۰۰۶ میلادی ارزش طلای استفاده شده در ساخت جواهرات ۴۴ میلیارد دلار آمریکا بود. این ارزش کلان مالی جواهرات را به یکی از بزرگ‌ترین بخش‌ها از



## تحولات هوشمندانه قیمت

در سال‌های اخیر جهان شاهد رشد قیمت طلا بود تا جایی که قیمت هر اونس طلا در اواسط سال ۲۰۰۸ به ۱۰۱۴ دلار نیز رسید و پیش‌بینی‌هایی در مورد بالاتر رفتن تقاضای طلا نسبت به سطح عرضه آن صورت گرفت. این پیش‌بینی‌ها سبب شد تا سرمایه‌گذاران بزرگ برای بهره‌برداری از این عرصه وارد بازار طلا شوند. البته برخی سرمایه‌خود را تنها در بازار طلا قرار نمی‌دادند بلکه علاوه بر طلا، بازارهای فلزات دیگر را نیز پوشش می‌دادند. همین مساله ریسک سرمایه‌گذاری آنها را کمتر می‌کرد. البته ریسک کم بازار طلا و توانایی این بازار برای اطمینان دادن به سرمایه‌گذاران در مقابل بی‌ثباتی‌های اقتصاد جهانی سبب شد تا در سال‌های مورد بررسی سهم سرمایه‌گذاری در بازار طلا بیشتر از دیگر بازارهای فلزی شود. در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ میلادی، مصارف صنعتی، دندانپزشکی ۱۲ درصد از کل تقاضای طلای جهان را تشکیل می‌داد. در این سال‌ها متوسط مصرف این بخش در هر سال بیشتر از ۴۰۰ تن بود. رسانایی بالای گرمایی و الکتریکی طلا و مقاومت بالای آن در مقابل زنگ‌زدگی، دلیل استفاده از این فلز گرانبها در عرصه صنعت و فناوری اطلاعات است.

استفاده از طلا در پزشکی نیز تاریخی طولانی دارد. مقاومت بالای طلا در مقابل فساد و کلونی باکتریایی، در کنار هماهنگی آن با ساختارهای زنده سبب شد تا از این فلز در عرصه‌های مختلف پزشکی به‌خصوص دندانپزشکی استفاده شود. سهم جواهرات در مصرف طلا در سال ۲۰۰۶ میلادی برابر با ۵۲ درصد بود. در سال گذشته میلادی وضعیت دو درصد از طلای مصرفی جهان نامشخص بود. به عبارت دیگر، در سالی که گذشت دو درصد از طلای مصرفی جهان وارد بخش‌هایی شد که آمار صحیحی از آن در دست نیست و این احتمالاً به دلیل عدم شفافیت در بازار طلاست.

نشریه امریکن فری پرس طی گزارشی از بازار طلا فاش کرد یک گروه سرمایه‌گذار به نمایندگی از دولت امریکا سعی می‌کند قیمت جهانی این فلز را پایین نگه دارند تا قدرت دلار و رونق اقتصاد امریکا حفظ شود. طی ده سال گذشته کمیته ضد تراست طلای امریکا اعلام کرده که کار تلی متشکل از سرمایه‌گذاران بسیار قدرتمند و بانک‌های خصوصی، خارج از

مکانیسم رسمی تعیین قیمت طلا مشغول کار بوده‌اند تا بطور مصنوعی قیمت این فلز گرانبها را پایین نگه دارند. آنها به نمایندگی از مقامات دولت امریکا فعالیت می‌کنند. این ایده که در دوران‌های رکود اقتصادی طلا به عنوان سدی در برابر کاهش ارزش دارایی‌ها عمل می‌کند اخیراً تغییراتی کرده و این امر باعث شده برخی تحلیل‌گران اذعان کنند غیر از طلا، حوزه‌های دیگری از سرمایه‌گذاری سودده وجود دارد. از زمانی که جهان خود را در بحبوحه یکی از عمیق‌ترین بحران‌های مالی طی صد سال گذشته دیده تا کنون قیمت این فلز گرانبها نوسان زیادی داشته. با توجه به کاهش مداوم ارزش دلار در برابر ارزهای آسیایی ممکن است تصور شود قیمت طلا به شدت افزایش می‌یابد.

با شروع بحران مالی در امریکا و تشدید آن در سراسر جهان؛ طی چند ماه گذشته قیمت طلا شبیه بسیاری از مواد خام دیگر افت و خیز زیادی پیدا کرده و به مرز ۸۷۵ دلار در هر اونس (۳۱/۱ گرم) تنزل یافته است. ناگفته پیداست که در حال حاضر قیمت این فلز در مقایسه با قیمت بیش از هزار دلار برای هر اونس در ماه مارس، بسیار کاهش یافته. برخی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا قیمت طلا به نوعی تحت تاثیر عوامل خارجی قرار گرفته است یا نه.

نمودار یک قیمت جهانی طلا را در بازار طلای لندن ظرف ۹ سال گذشته یعنی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ نشان می‌دهد. همانگونه که در نمودار نیز مشاهده می‌شود بیشترین رشد قیمت مربوط به ماه مارس ۲۰۰۸ است که قیمت طلا به بیش از ۱۰۰۰ دلار در اونس افزایش داشت.

این واقعیت که قیمت طلا به شکل مصنوعی توسط بانکدارها تعیین می‌شود به یقین یک توطئه پنهانی نیست. هر روز دو بار قیمت طلا در لندن تعیین می‌شود. تعیین قیمت طلا توسط پنج بانک بسیار بزرگ و معامله‌گران شمش طلا یعنی اسکاتی-موکاتا بار کلیز کپیتال، بانک مرکزی آلمان، بانک اچ‌اس‌بی‌سی و بانک سوسیته جنرال صورت می‌پذیرد. این نهادها بطور مرتب قیمت طلا را از طریق تله کنفرانس تعیین می‌کنند. نخستین قیمت‌گذاری در سال ۱۹۱۹ انجام شد و به بازار لندن محدود بود. اما امروزه بازارهای جهان برای تعیین ارزش طلا و قیمت‌گذاری بر مبنای آن، روند ذکر شده در بالا را مبنای قرار می‌دهند. این روند تعیین قیمت طلا بخشی بزرگ از داستان طلاست اما گروهی شناخته‌شده معتقد است که توطئه‌ای گسترده‌تر برای تعیین قیمت طلا در جریان بوده و اکنون که بازارها دچار بی‌ثباتی شدید هستند، این دیدگاه به شدت مورد توجه قرار گرفته است. طی ده سال گذشته کمیته ضد تراست طلا اعلام کرده که

کار تلی متشکل از سرمایه‌گذاران بسیار قدرتمند و بانک‌های خصوصی، خارج از مکانیسم رسمی تعیین قیمت طلا مشغول کار بوده‌اند تا بطور مصنوعی قیمت این فلز گرانبها را پایین نگه دارند. آنها به نمایندگی از مقامات دولت امریکا فعالیت می‌کنند و هدف آنها حفظ قدرت دلار، فریب دادن سرمایه‌گذاران و متقاعد کردن آنها به تداوم رونق اقتصاد ایالات متحده است.

بر اساس گزارش امریکن فری پرس استدلال این کمیته منطقی به نظر می‌رسد. هر چه باشد قیمت طلا معمولاً یک معیار اقتصادی محسوب می‌شود. قیمت بالای طلا نشانه‌ای از رشد تورم و کاهش ارزش ارزهاست. بنابراین به نفع دولت امریکاست که مداخله کرده و با پایین نگه داشتن قیمت طلا پوششی برای اقتصاد رو به زوال خود دست و پا کند. به اعتقاد این گروه از کارشناسان، توطئه از زمان دولت کلینتون در قالب "سیاست دلار قدرتمند" آغاز شد و توسط روبرت روبین وزیر دارایی وقت این کشور اجرا شد. روبین به عنوان مدیر پیشین وال استریت از اهرم این نهاد برای دستکاری در قیمت طلا استفاده کرد. بنا بر این نظریه؛ او با کمک دو بانک گلدمن ساچس و مورگان استنلی به اقداماتی نظیر فروش طلا به قیمت پایین یا افزودن قیمت طلا از طریق خرید عمده و سپس فروش با قیمت پایین به هدف کاستن از قیمت این فلز گرانبها پرداخت. در واقع هر دو طرف از این رویه سود می‌بردند. دولت می‌توانست قیمت طلا را پایین نگه دارد و نهادهای سرمایه‌گذاری یاد شده نیز میلیاردها دلار سود می‌بردند. امروزه با توجه به این واقعیت که عرضه به سختی می‌تواند پاسخگوی تقاضا برای سکه و شمش طلا باشد؛ استدلال کمیته ضد تراست طلا اعتبار بیشتری پیدا کرده است. طبق قانون عرضه و تقاضا و دست نامرئی، با افزایش تقاضا برای طلا باید قیمت این فلز افزایش یابد. در حالی که مشاهده می‌کنیم قیمت طلا دائماً در حال افت و خیز است. طی ماه‌های گذشته تحلیل‌گران مالی درباره پویایی عجیب عرضه و تقاضای طلا به گمانه‌زنی پرداخته‌اند. تد باتلر از برجسته‌ترین تحلیل‌گران بازار فلزات گرانبها همه توجهات را متوجه سه بانک بزرگ امریکایی کرد که طی تابستان با دستکاری در قیمت طلا سودی عظیم کسب کردند. در آن زمان قیمت طلا در هر اونس

اخلال در بازار رهنی مسکن در آمریکا، بانک‌ها و سپس مؤسسات بیمه و در نهایت شرکت‌های تولیدی را در آمریکا و سپس ژاپن و اروپا به رکود عمیق و کم سابقه‌ای فرو برد و نرخ سهام آنها را به شدت تنزل داد. این دو عامل باعث شد تولید طلا کاهش یابد و سرمایه‌های بورس بازار در آمریکا و اروپا به شونند



۱۵۰ دلار کاهش یافت که در آن شرایط اقتصادی، بسیار غیر طبیعی بود. به عبارت دیگر اگر طلا سدی مناسب در برابر کاهش ارزش دارایی هاست و تقاضا برای آن بالاست، چرا باید قیمت آن کاهش یابد؟ مسلماً دستی در کار است تا قیمت این فلز پایین نگه داشته شود. اما آیا توضیحی بسیار ساده تر درباره بی ثباتی قیمت طلا وجود دارد؟ امروز قیمت طلا می تواند به همان دلیلی که قیمت دیگر مواد خام طی شش ماه گذشته کاهش یافته پایین باشد. صدها میلیارد دلار پولی که صرف سرمایه گذاری در بازارهای ارز و مواد خام شده بود روانه حوزه های به ظاهر مطمئن تر سرمایه گذاری از جمله اوراق قرضه وزارت دارایی آمریکا شده است. اما با توجه به بدهی ۱۰ هزار میلیارد دلاری دولت آمریکا و اینکه بانک مرکزی این کشور طوری اسکناس چاپ می کند که گویی فردایی وجود ندارد، سرمایه گذاران آمریکایی با مشکلی واقعی روبه رو هستند و آن اینکه هیچ حوزه امن برای سرمایه گذاری وجود ندارد.

### پیشبینی بازار

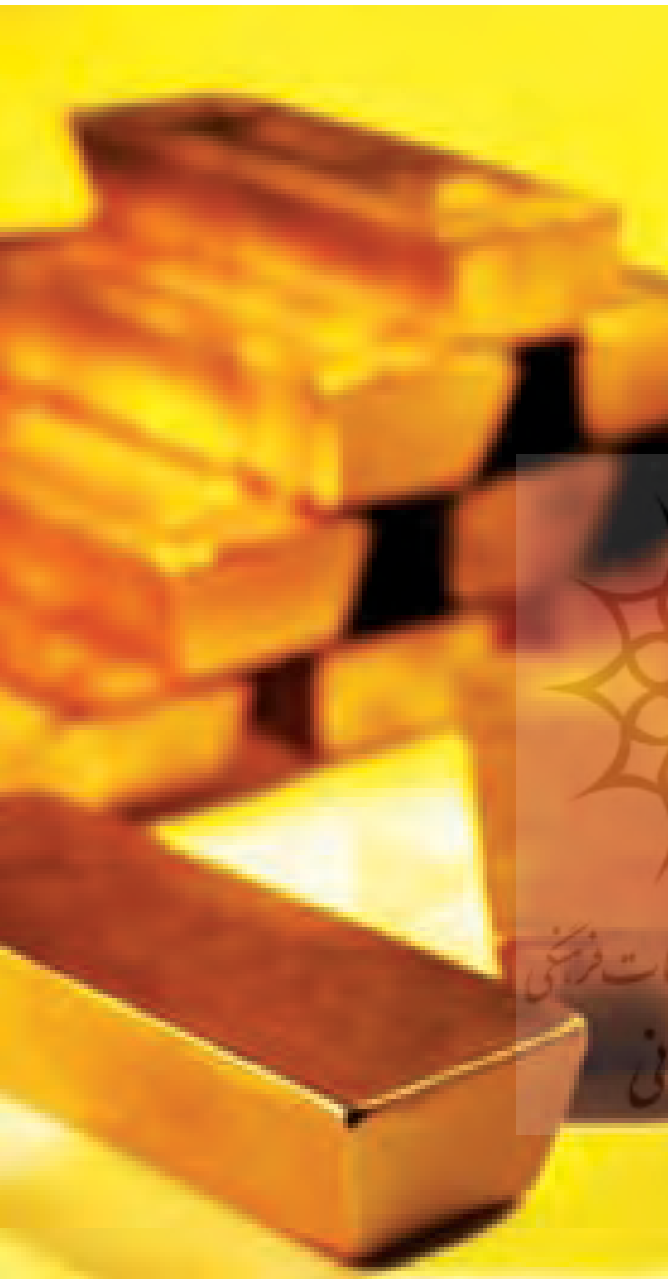
یک مقام آژانس بین المللی انرژی اعلام کرد که قیمت نفت خام ممکن است در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ به حدود بشکه ای ۱۰۰ دلار بازگردد. خبرگزاری رویترز اعلام کرد «فانچ بیرو» مدیر مطالعات اقتصادی آژانس بین المللی انرژی در کنفرانسی با موضوع انرژی در شهر استانبول اعلام کرده است که فشار رو به پایینی بر قیمت های نفت در سال ۲۰۰۹ مشاهده می شود. با وجود این انتظار می رود با بازیابی اقتصاد جهانی، قیمت ها دوباره در سال ۲۰۱۰ میلادی روند افزایشی داشته باشند. مقام آژانس بین المللی انرژی معتقد است که به دلیل ایجاد محدودیت در عرضه نفت و به دنبال تاخیر کنونی در سرمایه گذاری ها، مشکل جدی در عرضه و تقاضا در سال ۲۰۱۰ میلادی پدیدار خواهد شد. وی پیش بینی کرد که در آینده شاهد انتقال از بازار انرژی تحت سلطه شرکت های چندملیتی نفت به بازاری با حاکمیت شرکت های ملی نفت خواهیم بود. بیرو با اشاره به این که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، ۸۰ درصد افزایش در تولید نفت و گاز جهان از سوی شرکت های ملی نفت خواهد بود؛ یادآور شد: به همین دلیل ما احتمالاً شاهد حرکتی زیگزاگی در قیمت های نفت و گاز در آینده خواهیم بود. از آنجایی که یکی از عوامل تعیین کننده در بازار طلا، نوسان قیمت نفت است انتظار می رود روند صعودی قیمت طلا آغاز شود. بر اساس

پیشبینی های انجام شده توسط کارشناسان بازار فلزات گرانبها در آمریکا و بمبئی، هند؛ به رغم افت و خیزهای فعلی که در بازارهای جهانی مشاهده می شود؛ قیمت طلای زرد در سال ۲۰۰۹ به راحتی به ۱۲۰۰ دلار افزایش خواهد یافت. G.Thiagarajan مدیر عامل موسسه مدیریت ریسک کامترندز در بمبئی هند اعتقاد دارد که در سال ۲۰۰۹ میلادی قیمت هر اونس طلا با حرکت صعودی آرام آرام به مرز ۱۲۰۰ دلار خواهد رسید. او در زمینه پیشبینی وضعیت آینده بازار طلا بر این باور است که به رغم شرایط بحرانی حاکم بر اقتصاد جهانی؛ بحران جهانی نقدینگی رو به پایان نیست. ضمن اینکه با در نظر گرفتن قیمت طلا، این فلز گرانبها با پول نقد معامله می شود. به اعتقاد این کارشناس هندی؛ با شدت گرفتن کسری تراز مالی و تجاری در ایالات متحده آمریکا که مدیریت بر آن نیز روز به روز مشکل تر می نماید؛ تضعیف بیشتر دلار آمریکا و پایین آمدن ارزش آن باعث تقویت قیمت طلا و رسیدن آن به مرز ۱۲۰۰ دلار در اونس خواهد شد.

کارشناسان می گویند سه متغیر اصلی باعث تغییر و نوسان قیمت طلا در بازارهای بین المللی می شوند که عبارتند از: ریسک اقتصادی، ارزش ارزهای معتبر بین المللی همچو دلار و بورس های کالایی. به اعتقاد این گروه از تحلیلگران؛ طلا به تنهایی گاهی اوقات یک کالا است، بعضی وقت ها یک ارز معتبر محسوب می شود و در برخی مواقع نیز وسیله ای برای سرمایه گذاری و حفظ دارایی.

تحلیگران اقتصاد جهانی معتقدند اوپاما هرچقدر هم در شیپور «تغییر» بدمد، نمی تواند اقتصاد رنجور آمریکا را به تحرک وادار کند لذا اتخاذ سیاست های مقطعی برای فرار از عوارض بحران توسط سران کشورهای غربی و در نتیجه ادامه نوسانات شدید و ناگهانی در بازار طلا در میان مدت و بلند مدت (حداقل تا ۲۰۱۲-۱۳۹۱ شمسی که اقتصاد آمریکا در رکود خواهد بود) قابل پیش بینی است. برای این مبنا تحلیلگران می گویند که نه تنها قیمت جهانی طلا در سال ۲۰۰۹ بالا خواهد رفت؛ بلکه تا سال ۲۰۱۰ میلادی به ۲۰۰ دلار نیز خواهد رسید.

شورای جهانی طلا نیز در پیشبینی اخیر خود اعلام داشته است که میزان تولید این فلز گرانبها در سال ۲۰۰۹ افزایش خواهد یافت. گفتنی است که میزان تولید طلا در کل جهان در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۲۴۰۰ تن بود که در مقایسه با سال ۲۰۰۷ در حدود ۳ درصد کاهش نشان می دهد. طبق پیشبینی این مرجع بین المللی میزان تولید در



سال ۲۰۰۹ به مرز ۲۴۷۶ تن خواهد رسید. شرکت معدنی نیومونت نیز به عنوان بزرگ ترین شرکت استخراج طلا در جهان اعلام کرده است که به دلیل افزایش تقاضا برای طلا در قاره کهن آسیا؛ به زودی قیمت طلا در جهان از مرز ۱۰۰۰ دلار نیز فراتر خواهد رفت. خلاصه اینکه با توجه به پیش بینی های به عمل آمده توسط کارشناسان خبره در سراسر جهان می توان چنین انتظار داشت که قیمت جهانی طلا افزایش یابد و در سال ۲۰۰۹ به میزان ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ دلار برسد.

